

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان:

بررسی تطبیقی سبک های فرزند پروری در مواجهه با رسانه های نوین

استاد راهنما:

سرکار خانم سمیه جمشیدی

نویسندگان:

میترا بدری

مهتاب طاهری

سیده زینب موسوی داریید

شبّنم نظری

حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)

استان کرمانشاه

چکیده

در عصر حاضر، رسانه‌های نوین نقش محوری در زندگی خانواده‌ها ایفا می‌کنند و چالش‌های جدیدی را پیش روی والدین قرار می‌دهند. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی سبک‌های مختلف فرزندپروری و نحوه مواجهه آنها با رسانه‌های دیجیتال انجام شده است. در این مطالعه، چهار سبک اصلی فرزندپروری شامل مقتدرانه، آمرانه، آزادگذار و بی‌توجه از منظر تعامل با رسانه‌های نوین مورد تحلیل تطبیقی قرار گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام گرفته و داده‌های موردنیاز از طریق مطالعه و گردآوری منابع کتابخانه‌ای فراهم شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که والدین با سبک مقتدرانه، نظارت متعادل و آگاهانه‌ای بر استفاده فرزندان از رسانه‌های دیجیتال اعمال کرده و از راهبردهای آموزشی برای هدایت آنها استفاده می‌کنند. والدین آمر محدودیت‌های سختگیرانه‌ای وضع می‌کنند، والدین آزادگذار کنترل کمی دارند و والدین بی‌توجه هیچ‌گونه نظارت مؤثری اعمال نمی‌کنند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سبک مقتدرانه منجر به استفاده سالم‌تر از رسانه‌ها و توسعه مهارت‌های رسانه‌ای در کودکان می‌شود. این مطالعه اهمیت آگاهی والدین از تأثیرات رسانه‌های نوین و ضرورت اتخاذ رویکردهای متعادل در نظارت و هدایت فرزندان را برجسته می‌سازد. نتایج می‌تواند برای طراحی برنامه‌های آموزشی والدین و تدوین سیاست‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های فرزندپروری، رسانه‌های نوین، رسانه‌های دیجیتال، نظارت والدین، تربیت کودک

مقدمه

در دهه‌های اخیر، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و ظهور رسانه‌های نوین، تحولات عمیقی در ساختار اجتماعی و خانوادگی به وجود آورده است. کودکان و نوجوانان امروز در محیطی رشد می‌کنند که در آن دسترسی به اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های ویدیویی و سایر پلتفرم‌های دیجیتال بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره آنها محسوب می‌شود. این تحولات، چالش‌هایی نو و پیچیده‌ای را پیش روی والدین قرار داده و آنها را با ضرورت بازنگری در سبک‌ها و روش‌های تربیتی خود مواجه ساخته است. فرزندپروری به عنوان یکی از بنیادی‌ترین فرآیندهای اجتماعی، همواره تحت تأثیر تغییرات فرهنگی، اجتماعی و فناورانه قرار داشته است. در گذشته، والدین عمدتاً با چالش‌هایی چون تلویزیون، رادیو و مطبوعات روبرو بودند، اما امروزه طیف وسیعی از رسانه‌های تعاملی و شخصی‌سازی‌شده وارد عرصه تربیت شده‌اند. این رسانه‌ها نه تنها محتوای متنوعی ارائه می‌دهند، بلکه قابلیت‌های تعاملی و اجتماعی منحصر به فردی نیز دارند که تأثیرات عمیقی بر شکل‌گیری هویت، ارزش‌ها و رفتارهای کودکان می‌گذارند. قرآن کریم در آیه شریفه می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره»^۱ که بر مسئولیت والدین در حفاظت و تربیت فرزندان تأکید می‌کند. این آیه کریمه در عصر حاضر، مفهوم گسترده‌تری یافته و شامل حفاظت فرزندان در برابر آسیب‌های احتمالی رسانه‌های دیجیتال نیز می‌شود.

مسئله اصلی این پژوهش، شکاف موجود در درک والدین از نحوه مواجهه مناسب با رسانه‌های نوین و تأثیرات متفاوت سبک‌های فرزندپروری بر این مواجهه است. در حالی که رسانه‌های دیجیتال به سرعت در حال گسترش هستند و نقش روزافزونی در زندگی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کنند، بسیاری از والدین دانش و مهارت‌های لازم برای مدیریت مناسب این تعامل را

^۱ تحریم: ۶

ندارند. این وضعیت منجر به بروز تناقضات، نگرانی‌ها و چالش‌های متعددی در خانواده‌ها شده است.

از یک سو، برخی والدین با نگرش محافظه‌کارانه، محدودیت‌های شدیدی بر استفاده فرزندان از رسانه‌های دیجیتال اعمال می‌کنند که این امر ممکن است مانع کسب مهارت‌های ضروری دیجیتال و انطباق اجتماعی فرزندان شود. از سوی دیگر، والدینی که رویکرد آزادگذارانه اتخاذ می‌کنند، فرزندان خود را در معرض خطرات احتمالی محیط دیجیتال قرار می‌دهند. این دوگانگی نشان‌دهنده فقدان راهنمایی‌های علمی و عملی مبتنی بر شناخت دقیق سبک‌های مختلف فرزندپروری است. علاوه بر این، تحقیقات نشان می‌دهند که نحوه مواجهه والدین با رسانه‌های نوین تأثیر مستقیمی بر سلامت روان، عملکرد تحصیلی، مهارت‌های اجتماعی و توسعه هویت فرزندان دارد. با این حال، مطالعات تطبیقی جامعی که سبک‌های مختلف فرزندپروری را در این زمینه بررسی کند، وجود ندارد. این شکاف پژوهشی ضرورت انجام مطالعه‌ای جامع و تحلیلی را برجسته می‌سازد.

ضرورت انجام این پژوهش از چندین منظر قابل بررسی است. از منظر علمی، نیاز به درک عمیق‌تر از چگونگی تأثیر سبک‌های مختلف فرزندپروری بر نحوه تعامل خانواده‌ها با رسانه‌های نوین احساس می‌شود. این درک می‌تواند به توسعه نظریه‌های جدید در حوزه روان‌شناسی تربیتی و ارتباطات کمک کند. از منظر اجتماعی، با توجه به نفوذ روزافزون رسانه‌های دیجیتال در زندگی خانواده‌ها، ضرورت ارائه راهنمایی‌های علمی و عملی برای والدین بیش از پیش احساس می‌شود. این راهنمایی‌ها می‌توانند به کاهش تنش‌های خانوادگی، بهبود روابط والد-فرزند و ارتقای کیفیت زندگی خانوادگی کمک کنند. از منظر تربیتی و آموزشی، نتایج این پژوهش می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزش والدین، تدوین سیاست‌های آموزشی مدارس و توسعه مداخلات درمانی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، می‌توان از یافته‌های این مطالعه در تولید محتوای آموزشی برای والدین و مربیان بهره برد. از منظر فرهنگی و دینی، با توجه به اهمیت حفظ ارزش‌های اسلامی در فرآیند تربیت و ضرورت تطبیق آنها با مقتضیات دنیای مدرن، این پژوهش می‌تواند راهکارهایی برای تحقق این هدف ارائه دهد. قرآن کریم بر

مسئولیت والدین در تربیت فرزندان تأکید دارد و این مسئولیت در عصر دیجیتال ابعاد تازه‌ای یافته است.

هدف کلی این پژوهش، بررسی تطبیقی سبک‌های مختلف فرزندپروری در مواجهه با رسانه‌های نوین و شناسایی مؤثرترین رویکردها برای مدیریت تعامل فرزندان با این رسانه‌ها است. این هدف کلی در قالب اهداف اختصاصی زیر دنبال می‌شود:

اولاً، تحلیل و بررسی چهار سبک اصلی فرزندپروری (مقتدرانه، آمرانه، آزادگذار و بی‌توجه) از منظر نحوه مواجهه با رسانه‌های دیجیتال. این تحلیل شامل بررسی ویژگی‌ها، مزایا، معایب و پیامدهای هر سبک خواهد بود. ثانیاً، شناسایی و توصیف راهبردهای مختلف نظارت والدین بر استفاده فرزندان از رسانه‌های نوین در هر یک از سبک‌های فرزندپروری. این راهبردها شامل نظارت محدودکننده، نظارت فعال، نظارت همزمان و ترکیب آنها می‌شود. ثالثاً، بررسی تأثیرات هر سبک فرزندپروری بر توسعه مهارت‌های رسانه‌ای، سلامت روان، عملکرد تحصیلی و رشد اجتماعی فرزندان. این بررسی بر اساس یافته‌های تحقیقات موجود و تحلیل نظری انجام خواهد شد. با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش در پی پاسخ به سؤال کلیدی زیر است: سبک‌های مختلف فرزندپروری چگونه بر نحوه مواجهه والدین و فرزندان با رسانه‌های نوین تأثیر می‌گذارد و کدام سبک منجر به استفاده سالم‌تر و مؤثرتر از این رسانه‌ها می‌شود؟

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در حوزه سبک‌های فرزندپروری و تأثیر آنها بر رفتار کودکان انجام شده است. در دهه‌های گذشته، پژوهشگران عمدتاً بر روی تأثیرات تلویزیون و رسانه‌های سنتی متمرکز بودند، اما با ظهور رسانه‌های دیجیتال، تمرکز پژوهش‌ها به سمت این حوزه جدید معطوف شده است.

مطالعات اخیر به بررسی رابطه بین سبک‌های مختلف فرزندپروری و راهبردهای مدیریت رسانه پرداخته‌اند.

تأثیرات درازمدت هر سبک بر شکل‌گیری شخصیت و مهارت‌های اجتماعی فرزندان نیز قابل توجه است. فرزندان تربیت‌شده با سبک مقتدرانه، معمولاً اعتماد به نفس بالاتر، مهارت‌های حل مسئله بهتر، و روابط سالم‌تری با رسانه‌ها و فناوری برقرار می‌کنند. آنها همچنین قدرت بیشتری در تعادل‌بخشی بین زندگی مجازی و واقعی نشان می‌دهند.

نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی

بررسی سبک‌های فرزندپروری در مواجهه با رسانه‌های نوین نمی‌تواند بدون در نظر گیری زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی صورت پذیرد. در جامعه ایرانی، با توجه به ارزش‌های اسلامی و فرهنگ سنتی خانواده‌محور، والدین اغلب نگرانی‌های ویژه‌ای نسبت به تأثیرات رسانه‌های خارجی بر فرزندان دارند. این نگرانی‌ها ممکن است آنها را به سمت اتخاذ رویکردهای محافظه‌کارانه‌تری سوق دهد. از سوی دیگر، گسترش فناوری و ضرورت تسلط بر مهارت‌های دیجیتال برای موفقیت در عصر حاضر، والدین را با تناقض مواجه می‌سازد. آنها باید بین حفظ ارزش‌های سنتی و آماده‌سازی فرزندان برای زندگی در دنیای مدرن تعادل برقرار کنند^۱. این تناقض اغلب منجر به سردرگمی والدین و اتخاذ رویکردهای متناقض می‌شود. تأثیر گروه همسالان و فشار اجتماعی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش والدین نسبت به رسانه‌های نوین دارد. والدینی که فرزندان آنها از امکانات دیجیتال محروم هستند، ممکن است نگران انزوای اجتماعی فرزندان و عدم تطبیق آنها با همسالان باشند. این نگرانی‌ها اغلب والدین را به بازبینی سبک‌های تربیتی خود وا می‌دارد.

چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی والدین در عصر رسانه‌های نوین، سرعت تحولات تکنولوژیکی است. بسیاری از والدین احساس می‌کنند که دانش و مهارت‌های لازم برای راهنمایی فرزندان در استفاده از فناوری‌های جدید را ندارند. این شکاف نسلی می‌تواند مانعی جدی در برقراری ارتباط مؤثر بین والدین و فرزندان باشد. از سوی دیگر، رسانه‌های نوین فرصت‌های بی‌نظیری برای تقویت روابط خانوادگی و ایجاد تجربیات مشترک فراهم می‌آورند.

^۱خرمی، زهرا (۱۴۰۱). فرهنگ و فناوری در خانواده ایرانی. ج ۲، ص ۱۴۸

والدینی که بتوانند از این فرصت‌ها بهره‌برداری کنند، می‌توانند نه تنها نظارت بهتری بر فعالیت‌های رسانه‌ای فرزندان اعمال کنند، بلکه روابط عمیق‌تر و صمیمانه‌تری با آنها برقرار سازند.

پیچیدگی محتوای رسانه‌ای و ظرافت‌های آن نیز چالش دیگری است که والدین با آن مواجه هستند. بسیاری از محتواها دارای لایه‌های مختلف معنایی هستند و تشخیص مناسب یا نامناسب بودن آنها نیاز به دانش و تجربه خاصی دارد. این موضوع اهمیت توسعه مهارت‌های رسانه‌ای در خود والدین را برجسته می‌سازد.

راهکارهای عملی و پیشنهادات

بر اساس تحلیل صورت‌گرفته، چندین راهکار عملی برای بهبود نحوه مواجهه والدین با رسانه‌های نوین پیشنهاد می‌شود. اول، ضرورت آموزش والدین در زمینه رسانه‌های دیجیتال و تأثیرات آنها بر کودکان. این آموزش‌ها باید شامل معرفی انواع رسانه‌ها، روش‌های نظارت مؤثر، و تکنیک‌های گفت‌وگو با فرزندان درباره تجربیات رسانه‌ای باشد.

دوم، توسعه مهارت‌های رسانه‌ای در خود والدین تا بتوانند الگوی مناسبی برای فرزندان باشند و قدرت راهنمایی آنها را داشته باشند. والدین باید یاد بگیرند چگونه از رسانه‌های نوین به شیوه‌ای سازنده و مسئولانه استفاده کنند.

سوم، ایجاد فضای گفت‌وگوی باز در خانه درباره تجربیات رسانه‌ای. والدین باید محیطی امن و غیرقضاوتی فراهم کنند که فرزندان بتوانند آزادانه درباره تجربیات، سؤالات و نگرانی‌های خود در فضای دیجیتال صحبت کنند.

چهارم، تعیین قوانین منطقی و منعطف برای استفاده از رسانه‌ها که بر اساس سن، بلوغ و نیازهای فردی هر کودک تنظیم شوند. این قوانین باید به صورت مشترک بین والدین و فرزندان تعیین شوند و قابلیت تجدیدنظر داشته باشند.

پنجم، ایجاد فعالیت‌های جایگزین جذاب و متنوع که بتواند رقیب مناسبی برای رسانه‌های دیجیتال باشد. این فعالیت‌ها باید نیازهای مختلف کودکان نظیر تفریح، یادگیری، خلاقیت و تعامل اجتماعی را پوشش دهند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی سبک‌های مختلف فرزندپروری در مواجهه با رسانه‌های نوین انجام شد و نتایج ارزشمندی را در اختیار قرار داد. یافته‌های اصلی نشان می‌دهد که نحوه تعامل والدین با رسانه‌های دیجیتال و روش‌های نظارت آنها بر استفاده فرزندان از این رسانه‌ها، تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر توسعه مهارت‌های رسانه‌ای، عملکرد تحصیلی، سلامت روان و رشد کلی کودکان دارد. سبک مقتدرانه به عنوان مطلوب‌ترین رویکرد شناسایی شد که ترکیب متعادلی از نظارت آگاهانه، حمایت عاطفی، راهنمایی آموزشی و احترام به استقلال فرزند ارائه می‌دهد. والدین با این سبک، فضای امنی برای یادگیری و رشد فرزندان در محیط دیجیتال فراهم می‌کنند و آنها را برای مواجهه مستقل و مسئولانه با چالش‌های آینده آماده می‌سازند. فرزندان این خانواده‌ها مهارت‌های بالاتری در خودتنظیمی، تفکر انتقادی و استفاده سازنده از رسانه‌ها نشان می‌دهند.

در مقابل، سبک‌های آمرانه، آزادگذار و بی‌توجه هرکدام نواقص خاصی دارند که می‌تواند مانع رشد سالم فرزندان در عصر دیجیتال شود. سبک آمرانه با محدودیت‌های افراطی، فرصت یادگیری مهارت‌های ضروری رسانه‌ای را از فرزندان می‌گیرد. سبک آزادگذار با عدم راهنمایی کافی، فرزندان را در مواجهه با پیچیدگی‌های محیط دیجیتال تنها می‌گذارد. سبک بی‌توجه نیز با فقدان نظارت و حمایت، فرزندان را در معرض انواع خطرات قرار می‌دهد.

تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی نشان داد که والدین ایرانی با چالش‌های خاصی در تعادل بین حفظ ارزش‌های سنتی و تطبیق با دنیای مدرن مواجه هستند. این چالش‌ها ضرورت توسعه رویکردهای بومی و متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی را برجسته می‌سازد.

پیامدهای عملی این پژوهش شامل ضرورت طراحی برنامه‌های آموزشی جامع برای والدین، توسعه منابع آموزشی مناسب، و ایجاد سیاست‌های حمایتی برای خانواده‌ها می‌شود. همچنین، نتایج این تحقیق می‌تواند در طراحی مداخلات درمانی برای خانواده‌هایی که با مشکلات مرتبط با استفاده نامناسب از رسانه‌ها مواجه هستند، مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت، این پژوهش بر اهمیت نگرش متعادل، آگاهانه و منعطف والدین نسبت به رسانه‌های نوین تأکید می‌کند. والدین باید درک کنند که رسانه‌های دیجیتال نه دشمنی هستند که باید از آنها اجتناب کرد و

نه ابزاری بی‌ضرر که بتوان بدون نظارت در اختیار فرزندان قرار داد. بلکه این رسانه‌ها ابزارهای قدرتمندی هستند که با مدیریت صحیح می‌توانند نقش مثبت و سازنده‌ای در رشد و تعالی فرزندان ایفا کنند.

توصیه می‌شود پژوهش‌های آینده بر روی تأثیر متغیرهای دیگری نظیر سطح اقتصادی-اجتماعی خانواده، تحصیلات والدین، و ویژگی‌های شخصیتی فرزندان در شکل‌گیری الگوهای استفاده از رسانه متمرکز شوند. همچنین، انجام مطالعات طولی برای بررسی تأثیرات درازمدت سبک‌های مختلف فرزندپروری بر توسعه مهارت‌های رسانه‌ای و سلامت روان کودکان می‌تواند بینش‌های عمیق‌تری ارائه دهد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱) احمدی، محمدرضا (۱۴۰۰). روان‌شناسی تربیتی و سبک‌های فرزندپروری. تهران: انتشارات علم، ج ۲.

۲) امینی، فاطمه (۱۴۰۰). نظارت والدین بر رسانه و تأثیرات آن. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ج ۲.

۳) جعفری، علی (۱۳۹۷). رسانه‌های نوین و تربیت کودک. تهران: انتشارات سمت، ج ۱.

۴) حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۸). فناوری اطلاعات و خانواده. قم: انتشارات بوستان کتاب، ج ۲.

۵) خرمی، زهرا (۱۴۰۱). فرهنگ و فناوری در خانواده ایرانی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، ج ۲.

۶) رستگار، حسین (۱۴۰۰). کنترل والدین و تأثیرات آن بر رشد کودک. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ج ۱.

۷) رضایی، احمد (۱۳۹۹). سبک‌های فرزندپروری در ایران. تهران: انتشارات روان، ج ۱.

۸) صالحی، مریم (۱۳۹۸). نظارت بر رسانه در خانواده. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ج ۲.

- ۹) صبوری، محسن (۱۳۹۹). تربیت مقتدرانه و پیامدهای آن. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، ج ۲.
- ۱۰) فتحی، نرگس (۱۴۰۱). مهارت‌های رسانه‌ای کودکان. تهران: انتشارات مدرسه، ج ۱.
- ۱۱) قاسمی، رضا (۱۳۹۸). پیامدهای سبک آزادگذار در تربیت. یزد: انتشارات دانشگاه یزد، ج ۳.
- ۱۲) کریمی، پروین (۱۴۰۱). سبک‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری. کرج: انتشارات دانش، ج ۱.
- ۱۳) گنجی، حمزه (۱۳۹۸). روان‌شناسی تحولی کودک و نوجوان. تهران: انتشارات ساوالان، ج ۱.
- ۱۴) مرادی، فرشاد (۱۳۹۹). ارتباط والد-فرزند در عصر دیجیتال. تهران: انتشارات پژوهش، ج ۱.
- ۱۵) موسوی، سیده زهرا (۱۳۹۷). والدگری آزادگذار و پیامدهای آن. قم: انتشارات معارف، ج ۳.
- ۱۶) نوری، علیرضا (۱۴۰۰). رسانه‌های اجتماعی و نسل جوان. مشهد: انتشارات بین‌الملل، ج ۱.
- ۱۷) یوسفی، محمود (۱۳۹۸). مهارت‌های رسانه‌ای در قرن بیست و یکم. اهواز: انتشارات دانشگاه چمران، ج ۳.